

شاید ستاره‌ها می‌خوانند خاموش باشد

دنیا در برابر آخرت، مثل حلقه انگشتری است که در بیابانی وسیع افتاده باشد. وقتی فکر کنیم دنیایی به این بزرگی که انسان هیچ وقت نتوانسته به انتهای آن برسد، این اندازه در برابر آخرت کوچک است، می‌توانیم بیش از پیش به عظمت و شکوه آفرینش و نظم و حساب دقیق خداوند بزرگ پی ببریم که همه کهکشان‌ها و ستاره‌های غول‌آسا را دارد و هم از رساندن رزق و روزی مورچه‌ای در زیر سنگ سخت، غافل نیست



شامشیر ۷۳

فاطمه ذبیح‌زاده

شده است. سال نوری، مسافتی است که نور، در طی یک سال آن را می‌پیماید. با توجه به این مطلب، به چند نکته پی می‌بریم:

۱. ستاره‌هایی که در آسمان می‌بینیم، گاهی در فاصله چند میلیون سال نوری یا بیش‌تر از ما قرار دارند؛ به دیگر سخن، چند میلیون سال طول می‌کشد تا نورشان به ما برسد. پس وقتی به آسمان نگاه می‌کنیم و یک ستاره خیلی قشنگ را می‌بینیم، امکان دارد در حال حاضر، چنین ستاره‌ای وجود نداشته باشد و البته این خیلی دور از ذهن نیست که پس از چندین میلیون سال، یک ستاره، بسیار تغییر کند و یا حتی خاموش شود.
۲. وقتی رقم‌های خیلی بزرگ را به ارقام نجومی بیان می‌کنند، بی‌راه نمی‌گویند؛ چون فاصله‌ی بین ستاره‌ها و کهکشان‌ها، بسیار زیاد است. کافی است به یک فاصله چند میلیون سال نوری فکر کنیم تا مغزمان سوت بکشد!
۳. چنین فاصله‌هایی در فضا به ما این امکان را داده است که بتوانیم گذشته یک ستاره را ببینیم و اگر با کمی خیال‌پردازی، یک انسان را در آن ستاره دور تصور کنیم که بتواند با وسیله‌ای روی زمین را ببیند، قطعاً او هم گذشته چند میلیون سال قبل ما را دیده است؛ یعنی گاهی امری به نظر محال، به همین راحتی اتفاق می‌افتد و دیدن گذشته‌ای که همیشه فکر می‌کردیم، محال است، به آسانی یک نگاه به آسمان، امکان‌پذیر می‌شود؛ مثل دیدن گذشته یک ستاره خیلی دور.

و نکته پایانی این که، در حدیثی خواندم که دنیا در برابر آخرت، مثل حلقه انگشتری است که در بیابانی وسیع افتاده باشد. وقتی فکر کنیم دنیایی به این بزرگی که انسان هیچ وقت نتوانسته به انتهای آن برسد، این اندازه در برابر آخرت کوچک است، می‌توانیم بیش از پیش به عظمت و شکوه آفرینش و نظم و حساب دقیق خداوند بزرگ پی ببریم که هم حساب آن همه کهکشان‌ها و ستاره‌های غول‌آسا را دارد و هم از رساندن رزق و روزی مورچه‌ای در زیر سنگ سخت، غافل نیست.

یکی از زیباترین جلوه‌های طبیعت برای بشری که شیفته کشف چیزهای تازه است، نقطه‌های ریز و درشت درخشانی هستند که در تاریکی شب در دل آسمان سوسو می‌زنند. نمای فوق‌العاده‌ای که ستاره‌ها به آسمان شب می‌دهند، همیشه امکانی برای رویارویی انسان‌ها، بویژه شاعران بوده است و چه داستان‌ها و تصوراتی که در ذهن انسان‌ها در گذشته‌های دور ایجاد نکرده است.

ستاره‌ها، هم نشانه و راهنمای آدمی در سفرهای زمینی و بعدها دریایی بودند و هم مدرسان برخی از آن‌ها تا از راه درک اسرار و رموز آن‌ها، بتوانند مکان و مقامی در نزد پادشاهی پیدا کنند؛ مثل همه ستاره‌شناسانی که آینده را از حرکت و ظهور و افول ستاره‌ها، پیش‌گویی می‌کردند.

امروزه هم با همه پیشرفتی که در علم ستاره‌شناسی شده است، باز هم خیلی از ما انسان‌ها، از تماشای ستاره‌ها و خیال‌پردازی درباره آن‌ها لذت می‌بریم. همه ما اگر تجربه خوابیدن زیر یک آسمان پرستاره در یکی از شب‌های گرم تابستان را نداشته باشیم، دست‌کم مسحور دیدن یک دنیا از آن الماس‌های درخشنده، در یک شب بدون ابر، روی گنبد آسمان شده‌ایم و گاهی هم از ته دل مان دوست داشته‌ایم که یکی از آن‌ها را مال خودمان بدانیم و بگوییم؛ این ستاره من است. گاهی هم شنیده‌ایم که با مرگ هر آدمی، ستاره او هم می‌میرد و از این جور حرف‌ها.

اما شاید نشنیده باشیم که گاه، باخبر شدن ما از مرگ یک ستاره در یک کهکشان دور، ممکن است میلیون‌ها سال طول بکشد؛ می‌پرسید چه‌طور؟

همه ما می‌دانیم که نور، با سرعت بسیار زیادی حرکت می‌کند؛ یعنی سیصد هزار کیلومتر را در یک ثانیه طی می‌کند و از سویی، چون فاصله بین کهکشان‌ها خیلی زیاد است و با مقیاس‌های معمولی قابل اندازه‌گیری نیست، مقیاس سال نوری برای این فاصله‌ها ابداع